

## آینده پژوهی ماهیت نظامی امنیت جریان انرژی در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵

بهنام شریف پور<sup>۱</sup>، علی باقری زاده<sup>۲</sup>، ابراهیم انوشه<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴

### چکیده

از آنجا که رشد اقتصادی کشورها وابسته به تامین انرژی است، بنابراین امنیت انرژی از مهمترین چالش‌های اقتصادهای بزرگ جهان، به شمار می‌رود. امنیت انرژی مفهومی چند بعدی است، که یکی از آنها، امنیت نظامی حول محافظت، ترانزیت و پشتوانه منابع مالی نظامی و تسلیحاتی کشورهای دارنده آن منابع می‌باشد. هدف این تحقیق با طرح این سوال که نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در برقراری امنیت جریان انرژی منطقه غرب آسیا چه می‌تواند باشد؟، فراهم نمودن اطلاعات لازم برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جهت کسب آمادگی در برابر تغییرات احتمالی در راستای افزایش قدرت تطبیق آنها با حوزه رقابت انرژی و تهدیدات مرتبط با امنیت جریان انرژی در منطقه غرب آسیا و به ویژه خلیج فارس می‌باشد. این مقاله، از شیوه آینده پژوهی به روش سناریونگاری بر اساس الگوی تایدا می‌باشد و به بررسی مسئله امنیت نظامی جریان انرژی در منطقه غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ می‌پردازد. با توجه به روندها و محرک‌های موجود، منطقه غرب آسیا همچنان دارای ساختاری آناشیک بوده و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای ضمن پایش تهدیدات موجود و آتی، با قوام دادن ساختارهای خود، در راستای ایجاد توازن و کاستن خطرات حاصل از منازعات آینده، بایستی با پیش بینی تحولات آینده، تدوین سناریوهای متعدد و استفاده حداکثری از موقعیت سوق الجیشی جزایر ۳۸ گانه خلیج فارس، به ایجاد بازدارندگی و حفظ منافع ملی ایران پردازند.

**واژه‌گان کلیدی:** آینده پژوهی، امنیت انرژی، برنامه ریزی سناریو، نیروهای مسلح ج ا.

۱- دانشجوی دکترای تخصصی روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)  
Behnamsharifpour11098@gmail.com

۲- استادیار علوم سیاسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران  
Ali\_bagherizadeh@yahoo.com

۳- استادیار علوم سیاسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران  
a\_aanooshin@yahoo.com

## مقدمه

انرژی کالایی استراتژیک است که نقشی کانونی در امنیت بین‌المللی و اقتصاد جهانی دارد. از آنجا که رشد اقتصادی کشورها وابسته به تامین انرژی است، بنابراین امنیت انرژی از مهمترین چالش‌های اقتصادهای بزرگ جهان، به شمار می‌رود. امنیت انرژی مفهومی چند بعدی است و ذینفعان، هر یک از زاویه‌ی دید خود به آن می‌نگرند (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۱). در طول دهه ۱۹۷۰ میلادی، تامین منابع انرژی برای آینده یکی از چالش‌های سیاسی اساسی در اکثر کشورهای جهان بوده است. پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳، موضوعات مربوط به انرژی به یکی از دشوارترین و پر بحث‌ترین موضوعات در جوامع تبدیل شده است (پورارشد و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲). امنیت انرژی از مباحث تأثیرگذار در اقتصاد جهانی و روابط بین‌المللی است و در این بحث کانون‌های تولید، مصرف و نیز مسیرهای انتقال انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. از این رو امنیت عرضه، تقاضا و انتقال انرژی در سطح بین‌الملل حائز اهمیت است و کشورهای دارای ذخایر انرژی یا دارای مسیرهای مناسب‌تر برای ترانزیت انرژی، از توان بالقوه تأثیرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردارند. بالفعل کردن این توان، نیازمند استفاده صحیح از امکانات و سیاست‌های جاری کشور خواهد بود. عدم بهره‌برداری مناسب از فرصت‌های پیشرو و مهم‌تر از همه خطر بروز جنگ‌ها یا کودتاها در اکثر کشورها در این حوزه‌ی انرژی ممکن است که موجب از دست دادن تدریجی موقعیت ویژه آنها در بعد امنیت عرضه و انتقال گردد و در نهایت دنیا را با بحران انرژی مواجه سازد. مؤکداً با توضیح بالا ضرورت گفتار پیرامون "امنیت انرژی" پر اهمیت می‌نماید که چه بسا عده‌ای از متفکرین، جنگ‌های کنونی از جمله - جنگ عراق - با عنوان "جنگ بر سر تأمین امنیت انرژی" نامیده‌اند.

(پارسا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۲۳). امنیت انرژی، موضوعی پیچیده با ابعاد چندگانه است. امنیت انرژی نه تنها در کانون سیاست‌های انرژی واقع شده؛ بلکه در کانون سیاست‌های امنیت ملی و بین‌المللی قرار دارد و هر چه می‌گذرد عوامل تاثیرگذار بر آن افزایش می‌یابد. در واقع، امنیت انرژی متغیر وابسته‌ای است که به مرور زمان متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر آن افزایش یافته است (ساعی، پاشنگ، ۱۳۹۵: ۲۳۳).

تقریباً از آغاز دوران نفت، خاورمیانه به صورت تنگاتنگی کاملاً با امنیت گره خورده است. تمرکز مدرن روی نفت به عنوان یک کالا استراتژیک منشأ آن در تصمیم ۱۹۱۱ دریاسالاران انگلیس برای تبدیل ناوگان جنگی خود از زغال سنگ به نفت است. در آن زمان، ایالات متحده هنوز تولید کننده برتر نفت در جهان بود، اما تمرکز مورد علاقه انگلیس بین النهرین بود، جایی که شرکت نفت انگلیس و ایران امتیاز آن را به دست آورد. جنگ جهانی دوم، به ویژه، اهمیت حیاتی نفت را تأکید کرد. نه تنها برای عملیات نظامی بلکه به تقویت اقتصاد جنگ نیز می‌انجامد (بایمن، بن ساحل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۲۲۰). در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، موجی از کودتاهای نظامی در خاورمیانه، تحقیقات گسترده‌ای در مورد نقش نیروهای نظامی در منطقه ایجاد کرد. با این وجود، از اوایل دهه ۱۹۸۰، روابط مدنی و نظامی در خاورمیانه مورد غفلت علمی قرار گرفته است. در پی بهار عربی، محققان دوباره توجه خود را به نقش نیروهای مسلح و تأثیر آنها بر تحولات اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه می‌اندازند. محققان نگران این موضوع هستند که نیروهای مسلح در چه شرایطی مداخله کنند و مقامات غیرنظامی را تحت الشعاع قرار دهند، یا بخواهند از سیاست خارج شوند و "به پادگان بازگردند." وقایع اوایل سال ۲۰۱۱ تمرکز جدی بر لحظات چشمگیر

<sup>۱</sup> Parsa

<sup>۲</sup> Bensahel, Byman

تحولات انقلابی داشت. تحولات اخیر، بر لزوم بررسی نقش نیروهای نظامی در روند آهسته سیاست روزمره، فراتر از سقوط ناگهانی رهبران خودکامه تأکید می‌کند (کارت ویت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۶). امنیت منابع نفت خاورمیانه با توجه به اینکه خاورمیانه به بخش عمده ای از ذخایر نفتی جهان تبدیل شده است و مسئول سهم بزرگی از تولید جهانی نفت است، حائز اهمیت است. در حقیقت، برخی از تحلیلگران بر این باورند که مهمترین جنبه امنیت انرژی "محدود کردن آسیب پذیری در برابر اختلال با توجه به افزایش وابستگی به نفت وارداتی از خاورمیانه ناپایدار است" (مارتین<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۶). جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در اتحادیه<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۴، اظهار داشت که "آمریکا به نفت اعتماد دارد. که اغلب از بخش های ناپایدار دنیا وارد می شود." و پیشرفت های این فناوری به ایالات متحده کمک می کند تا "به یک هدف بزرگ دیگر برسد: تا سال ۲۰۲۵ جایگزین بیش از ۷۵٪ از واردات نفت ما از خاورمیانه است". در این باره برخی متفکران از نفت به عنوان سلاح یاد می کنند (فاتوح<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۱۳).

در سال های اخیر اکثر جنگ های منطقه غرب آسیا ناشی از مسائل نفت و تسلط بر سر منابع نفتی بوده است و از نمونه های بارز آن می توان به جنگ نفتکش ها، جنگ خلیج ۱۹۹۰ و عملیات طوفان صحرا در سال ۲۰۰۳ اشاره نمود. این مسائل ناخواسته نظامیان کشورهای صاحب منابع نفتی و مصرف کنندگان نفت را وارد کارزار رقابت بر سر اعمال محدودیت ها در عرضه و افزایش تقاضای نفت و کشمکش های مرتبط با آن می نماید. با مشاهده روندهای موجود دامنه این درگیری ها تا سال های آینده نیز ادامه خواهد داشت. با

<sup>1</sup> Kartveit

<sup>2</sup> Martin

<sup>3</sup> news.bbc.co.uk/1/hi/world/americas/4668628.stm

<sup>4</sup> Fattouh

توجه به هجمه گسترده بر سر منابع نفتی خاورمیانه و دامنه دار بودن آن با ملاحظات شواهد موجود تا سال های آتی بالاخص سیاست های یکجانبه گرایانه رئیس جمهور وقت آمریکا آقای ترامپ و پیش بینی بر سرکار بودن دولت ایشان حداقل تا سال ۲۰۲۵، این سوال مطرح می شود که نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در برقراری امنیت جریان انرژی منطقه غرب آسیا چه می تواند باشد؟ در این تحقیق با فرض و احتمال اینکه رئیس جمهور فعلی آمریکا آقای ترامپ و دولت وی حداقل تا سال ۲۰۲۵ ابقاء شده و سیاست های خصمانه اش ادامه داشته باشد، با روش سناریو نگاری به روش تایدا<sup>۱</sup>، چهار سناریو مختلف تصویر شده و در باورپذیرترین آن بر دامنه دار بودن کشمکش های نفتی در غرب آسیا تاکید می شود و در ادامه این نیاز احساس می شود که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، می بایست بیش از پیش با برنامه ریزی هوشمندانه و تدوین سیاست های موثر دفاعی در بعد حفاظت و صیانت از حقوق و منافع ملی ایران، گام های جدی بردارند. در خصوص امنیت انرژی مقالات بسیاری در حوزه های مختلف علمی وجود دارد و هر کدام به ابعاد مرتبط با حوزه کاری خود به این موضوع پرداخته اند از جمله جغرافیای سیاسی، مهندسی نفت و انرژی، رشته های مرتبط با زیست محیطی و ...، ولی تاکنون تحقیق منحصر به فردی با محوریت نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در برقراری امنیت جریان انرژی کمتر دیده شده است، هدف این تحقیق فراهم نمودن اطلاعات لازم برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جهت کسب آمادگی در برابر تغییرات احتمالی در راستای افزایش قدرت تطبیق آنها با حوزه رقابت انرژی و تهدیدات مرتبط با امنیت جریان انرژی در منطقه غرب آسیا و به ویژه خلیج فارس می باشد.

<sup>۱</sup> TIADA

## مبانی نظری تحقیق:

اگر بخواهیم در سیاست با روش عقلانی پیش برویم، به پیش‌گویی‌های تاریخی نیازمندیم (پوپر<sup>۱</sup>، ۱۹۵۹: ۲۸۵-۲۷۶). وقتی پیش‌بینی در دست باشد، وظیفه سیاست را نیز می‌توان مشخص کرد. سرگذشت بشر طرح خاصی دارد. اگر بتوانیم از آن پرده برداری کنیم، کلید آینده را به دست آورده ایم. بحث آینده‌نگری از دغدغه‌های اصلی نظریه پردازان بزرگی همچون مارکس، هگل، جان استوارت میل، آگوست کنت نیز بوده است. هگل: "شناخت تاریخ و نیروهای شکل دهنده اجتماع بشر مهم است." با دستیابی به شناخت ((روح زمانه))، می‌توان نیروهای پیش‌برنده تاریخ، گذشته، حال و آینده را شناخت و به نوعی پیش‌بینی جبر‌گرایانه رسید. ولی باید این مهم را پذیرفت که بین پیش‌بینی علمی مشروط و پیش‌گویی‌های تاریخی بلاشرط، تفاوت و تمایز وجود دارد. آینده پژوهی علمی این فرصت را در اختیار سیاست‌مداران قرار می‌دهد، تا آنها به مطالعه تهدیدها و فرصت‌ها پرداخته و به تدوین استراتژی‌های امنیتی مناسب در خور با این امور در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازند (تیشه یار، ۵۴-۲۳، ۱۳۹۶). در این تحقیق با استفاده از فرایند سناریو نویسی تا پیدا که روشی الگو برداری شده بر اساس کارکرد طبیعی مغز انسان می‌باشد، با دریافت علائم یا نشانه‌های بیرونی، به پیش‌بینی استراتژی یا واکنش درونی پرداخته می‌شود (هیکل، نولان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). روش تا پیدا از پنج مرحله تشکیل شده است که به ترتیب عبارتند از:

مرحله تعقیب<sup>۳</sup>: ردیابی تغییرات و شناسایی علائم تهدیدها یا فرصت‌ها.

<sup>۱</sup> Popper

<sup>۲</sup> Haeckel, Nolan

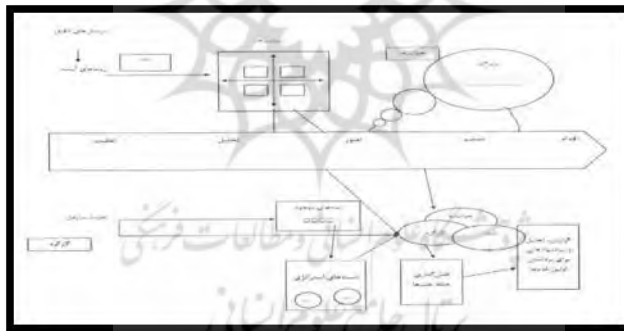
<sup>۳</sup> Tracking

مرحله تحلیل ۱: بررسی نتایج حاصل از تغییرات و ساختن سناریوها.  
مرحله تصور ۲: شناسایی دیدگاه‌ها و تصوره‌های ذهنی ما نسبت به چیزی که دنبال آن هستیم.

مرحله تصمیم ۳: سبک و سنگین کردن اطلاعات و انتخاب یا ساخت استراتژی‌ها.  
مرحله اقدام ۴: تعیین اهداف کوتاه مدت، برداشتن اولین گام‌ها و دنبال کردن آنها تا دستیابی به نتیجه.

لازمه استفاده از فرایند تایدا نیازمند اقدامات پیش از شروع می‌باشد. این اقدامات شامل: شناسایی دقیق سیستم مورد بررسی، تعیین پرسش‌های اصلی، تعیین دوره زمانی مورد بحث، بررسی وضعیت گذشته و حال، تعیین هدف (تیشه یار، ۱۳۹۶: ۲۰۹-۱۷۵).

شکل ۱: فرایند تایدا (تیشه یار، ۱۳۹۶: ۲۰۸)



سناریوها باید به این پرسش‌ها پاسخ دهد: چه کسی، چه کاری می‌کند؟ چه زمانی؟ کجا؟ چگونه؟ (همراه با چه کسی)؟ و چرا؟ به همین ترتیب، تفکر سناریویی یعنی مشاهده

1 Analyzing  
2 Imaging  
3 Deciding  
4 Action

ی آینده به مثابه ی تئاتر یا نمایشنامه ای که هنوز به صحنه نیامده است. در اینجا، آینده میدان نمایشنامه ای است که هر کس می تواند بر صحنه ی آن پا گذارد و فی البداهه متنی بگوید (لیندگرن<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

### روش تحقیق:

انرژی از یک سو دستی در جنگ و سیاست اعلی، قدرت و امنیت دارد و از طرف دیگر دستی در سیاست سفلی و اقتصاد جهانی دارد. از این رو دو الگوی متعارض بر موضوع امنیت انرژی حاکم است که تاکنون مانع ایجاد یک نظام یکپارچه اجماعی جهانی که نفع متقابل تولیدکنندگان و مصرف کنندگان را شامل گردد، شده است. الگوی اول مبتنی بر دیدگاهی است که امنیت انرژی را در قالب نگرش قدرت محور؛ امنیت ملی می نگرد. این الگو که بیشتر توسط استراتژیست ها تعقیب و تقویت می شود، معتقد است: امنیت صرفاً از طریق کسب و حفظ قدرت سخت و در ازای ناامنی دیگران و طی یک بازی با حاصل جمع صفر (برد - باخت) به دست می آید. دیدگاه دوم متأثر از نگرش امنیت بین المللی بوده و بر این باور است که امنیت یک ملت زمانی افزایش می یابد که امنیت همه ملت ها ارتقاء یابد (پارسا، ۲۰۱۰: ۱۰).

در این تحقیق به بحث و بررسی الگوی اول با توجه به ماهیت نظامی آن که مورد بررسی این تحقیق است پرداخته می شود. الگوی مذکور ناخواسته ما را به بحث پیراون امنیت ملی با ماهیت قدرت محور آن می کشاند. امنیت ملی از تعاریف مختلفی نزد اندیشمندان برخوردار است که در اینجا به چند مورد آن اشاره می نمایم. امنیت ملی،

<sup>1</sup> Lindgren

<sup>2</sup> [www.otagh24.ir/framework/banners/click/33](http://www.otagh24.ir/framework/banners/click/33)



دستیابی به شرایطی است که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارج و از نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تاسیس وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۳). هانس جی مورگنتا<sup>۱</sup> معتقد است: منافع ملی، به عنوان یک کل، به عنوان یک نهاد مستقل، جدا از منافع مناطق یا گروه‌های فرعی و همچنین سایر ملل یا گروه‌های فرمانطقه‌ای، در نظر گرفته می‌شود. هر میداس باوند<sup>۲</sup> معتقد است: امنیت ملی - یا به تعبیر دیگر منافع ملی - مجموعه شرایط و امکانات پویایی است که تحقق نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را میسر می‌سازد. این شرایط و امکانات خود ملهم از وقوع ژئوپلتیکی، ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی یک جامعه و در نهایت جایگاه آن در صحنه بین‌الملل است.

### ۱- مقدمات شروع سناریوها:

در راستای شروع فرایند تحقیق بر اساس الگوی سناریویی تاپدا در ابتدا نیازمند فراهم نمودن مقدمات اجرای طرح می‌باشیم. مقدمات اجرای طرح شامل، شناسایی دقیق سیستم مورد بررسی، تعیین پرسش‌های اصلی، تعیین دوره زمانی مورد بحث، بررسی وضعیت گذشته و حال، تعیین هدف دخیل در سناریوی پیش رو هستیم (تیشه یار، ۱۳۹۶: ۱۸۰).

شناسایی سیستم بدان معناست که میزان ریسک پذیری و آمادگی برای تغییر سیستم تا چه اندازه است و یا بازیگران، تصمیم گیرندگان و اجرا کنندگان آن سیستم چه کسانی هستند و توانایی‌ها و نقاط ضعف آنها کدامند؟ سیستم مورد بحث در این تحقیق نیروهای

<sup>۱</sup> [www.merriam-webster.com/dictionary/national%20interest](http://www.merriam-webster.com/dictionary/national%20interest)

<sup>۲</sup> هر میداس باوند از اساتید پیشکسوت روابط بین‌الملل و نماینده ایران در سازمان ملل در زمان دبیرکلی دکوئار می‌باشند.

مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند که در طول ۴۰ ساله بعد از انقلاب اسلامی در راه اعتلای استقلال و سربلندی ایران اسلامی از هیچ کوششی فرو گذار نبوده و با ایثار و جانفشانی‌های زبانزد و تقدیم هزاران شهید آن را به اثبات رسانیده است. پس از خروج مستشاران نظامی از ایران، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر تلاش و همت جوانان و حرکت به سوی قله‌های علمی پیرو فرمایشات فرمانده معظم کل قوا که فرمودند: ((العلم السلطان<sup>۱</sup>)) با قدرت ریسک‌پذیری بالا به حدی از تغییر و پیشرفت رسیدند که در حال حاضر به لحاظ قدرت نظامی در رده بندی قدرت برتر منطقه ای و در رده جهانی به گزارش موسسه گلوبال فایر پاور<sup>۲</sup> در رتبه سیزدهم دنیا قرار گرفته است. همچنین موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک<sup>۳</sup> اعلام کرده است: ایران هم اکنون دارای برتری نظامی بر آمریکا و هم پیمانانش در خاورمیانه است. این امر محقق نشده است مگر با درایت فرماندهان، که دغدغه آنها ترقی و پیشرفت سازمان متبوع بوده و از هر گونه تغییری که منجر به ترقی سیستم شود، حتی با ریسک‌های بالا، آن را با جان و دل پذیرا هستند. گویای این امر میزان پیشرفت قدرت نظامی ایران در سطح منطقه ای و بین‌المللی است.

تلاش ما در پی بدست آوردن پاسخ منطقی به این پرسش است که نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در برقراری امنیت جریان انرژی منطقه غرب آسیا در سال‌های آتی چه خواهد بود؟ در این تحقیق با فرض و احتمال اینکه رئیس جمهور فعلی آمریکا آقای ترامپ و دولت وی حداقل تا سال ۲۰۲۵ ابقاء شده و سیاست‌های خصمانه اش ادامه داشته باشد، سناریوهایی مبتنی بر منطق علمی طراحی شود. گذشته و حال اهمیت جریان انرژی

<sup>۱</sup> علم و دانش بالاتر از هر چیزی است.

<sup>۲</sup> Global Fire Power

<sup>۳</sup> IISS: The International Institute for Strategic Studies, Located in British (www.asriran.com-7 Nov 2019)

در غرب آسیا برکسی پوشیده نیست و در این اثنا تنگه هرمز از گلوگاه‌های مهم انرژی جهان تلقی می‌شود. روزانه ۱۷ میلیون بشکه نفت خام یعنی معادل یک پنجم از نفت مصرفی جهان از تنگه هرمز عبور می‌کند (اعتماد آنلاین<sup>۱</sup>). هدف آن است که نقش و جایگاه نیروهای مسلح در برقراری امنیت جریان انرژی غرب آسیا تبیین و به نوعی یک استراتژی علمی در پیش روی آنان قرار گیرد.

## ۲- مراحل طراحی سناریوها:

۲-۱- **مرحله تعقیب:** در این مرحله سعی شده است با استفاده از روش‌های رسانه محور (رصد کردن اخبار و اطلاعات رسانه‌ها)، روش زمان محور (شناسایی روند‌ها از طریق تحلیل خط سیر تاریخی)، روش ذهن محور (تصویر سازی، تحلیل تاریخ آینده و تحلیل تناقضات موجود) و روش بازیگر محور (تحلیل عملکرد هر یک از بازیگران اصلی، تحلیل عملکرد رقبا) به ردیابی تغییرات و شناسایی علائم تهدیدها یا فرصت‌ها پرداخته شود. در این مرحله روندها (اموری که گویای تغییراتی عمیق‌تر از تغییرات عادی هستند)، محرک‌ها و عدم قطعیت‌ها که بر آینده پرسش‌های تحقیق تاثیر می‌گذارند، بیان می‌شود.

برای شناخت دقیق وضعیت بازار جهانی نفت، علاوه بر مطالعه وضعیت ساختاری بازار و نیروهای موثر آن، باید روندهای مهم مبادلات در این بازار را شناخت. آشنایی با ساختارها و روندهای مبادلات در بازار نفت زمینه ترسیم تصویری دقیق از وضعیت کنونی بازار و تحولات آتی آن را فراهم می‌کند. روندهای امروزی بازار نفت جهان از نظر کارشناسان این حوزه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد (میرترابی، ۱۳۹۳: ۲۰۶-۱۹۴).

<sup>۱</sup> www.Etemadonline.com

۱-۱-۲- تقاضا برای منابع مختلف انرژی: همیشه تصور این بوده است که به واسطه تحول در فناوری‌های مربوط به انرژی، تقاضا برای مصرف نفت به شدت کاهش پیدا کند. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون تلاش‌های گسترده‌ای در کشورهای صنعتی انجام شده و همواره بر آن بوده اند که منابع انرژی جدید از جمله سلول‌های سوختی<sup>۱</sup>، انرژی هسته‌ای به روش شکافتی<sup>۲</sup> یا همجوشی<sup>۳</sup>، انرژی زمین گرمایی<sup>۴</sup>، انرژی باد و یا سایر منابع جایگزین منابع نفتی نمایند. با این حال هیچ یک از این منابع انرژی تاکنون چشم انداز امید بخشی در زمینه تحول گسترده در استفاده از نفت ایجاد نکرده‌اند. به اعتقاد کارشناسان بروز چنین تحولی تا حدود دو دهه آینده نیز امکان پذیر نیست (گُرد ز مان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳: ۱۲۶).

دوره	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	جدول ۱: برآورد اپک (میلیون بشکه)
میزان تقاضا برای نفت در جهان	۸۵/۵	۹۱	۹۶/۲	۱۰۰/۹	درباره میزان تقاضا برای نفت تا سال ۲۰۲۵ (بولتن اپک، ۲۰۱۰: ۱۰)
عرضه اپک	۲۹/۳	۳۰/۸	۳۳/۲	۳۶	
عرضه غیر اپک	۵۱/۹	۵۳/۹	۵۵/۷	۵۶/۶	

۲-۱-۲- استمرار رشد تقاضا برای مصرف نفت: به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی با عنوان چشم انداز سالانه انرژی<sup>۶</sup> منتشره در سال ۲۰۱۱ پیش بینی شده که تقاضای نفت در سناریوی موسوم به سیاست‌های جدید، به صورت یکنواخت افزایش یابد و به ۹۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۵ برسد. بخش عمده‌ای از این رشد به کشورهای غیر عضو

<sup>1</sup> Fuel cells

<sup>2</sup> Fission

<sup>3</sup> Fusion

<sup>4</sup> Geothermal

<sup>5</sup> Cordsmen

<sup>6</sup> World Energy Outlook

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup> تعلق دارد و چین حدود ۵۷ درصد از این افزایش را به خود اختصاص خواهد داد. اداره انرژی آمریکا نیز پیش بینی کرده است مصرف نفت در ۲۰۲۰ به ۹۲/۱ میلیون بشکه و در ۲۰۳۰ به ۱۰۳/۹ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا کند (گزارش اداره انرژی آمریکا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). تقاضا برای مصرف نفت در کشورهای عضو اپک در سال ۲۰۰۵ به اوج خود رسید و دیگر افزایش نخواهد یافت. اما در دیگر مناطق تقاضا رو به افزایش خواهد گذاشت. برآورد شده است که تا سال ۲۰۳۰، ۷۵ درصد تقاضاهای آتی برای مصرف نفت، توسط کشورهای در حال توسعه آسیا همچون چین و هند ایجاد شود (بولتن اپک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۶۴).

**۳-۱-۲- تغییر ساختار تقاضا در بازار: بخش اعظم تقاضا برای مصرف نفت، از ناحیه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بوده که حدود یک میلیارد نفر از جمعیت کره زمین را در خود جای داده اند. در حالیکه از این پس بیشترین تقاضا از ناحیه کشورهای در حال توسعه خواهد بود که حدود ۵ میلیارد نفر جمعیت دارند. در این شرایط معقول است که تصور کنیم تقاضا برای مصرف نفت در آینده قابل پیش بینی همچنان افزایش خواهد یافت. بر پایه یک پیش بینی ساده می توان گفت تقاضا برای مصرف نفت در سال ۲۰۵۰ به ۱۲۰ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (نشریه، نفت، گاز، پتروشیمی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰: ۱۴).**

**۴-۱-۲- عرضه نفت و مسئله اوج تولید:** به نظر گروهی از متفکران صنعت نفت، بازار نفت جهان، با شرایط بی سابقه‌ای در طول تاریخ ۱۵۰ ساله صنعت نفت روبرو شده

<sup>1</sup> OECD

<sup>2</sup> EIA International Energy Outlook

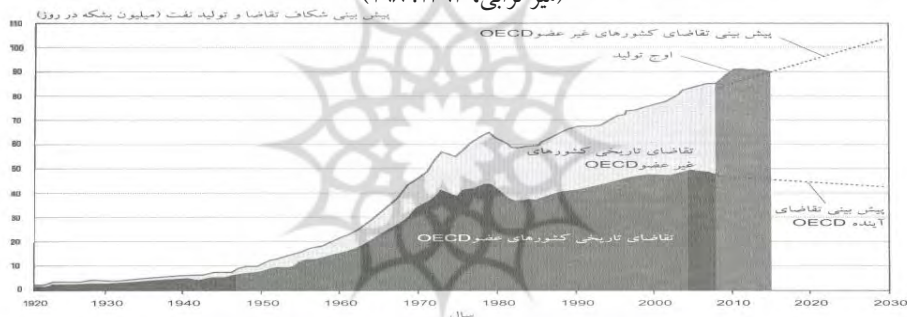
<sup>3</sup> Opec Bulletin

<sup>4</sup> BP Statistical Review of World Energy, 2011

است. به این معنا که ممکن است در شرایط استمرار رشد تقاضا، دیگر امکان افزایش عرضه نفت وجود نداشته باشد. از این پدیده با عنوان ((اوج تولید نفت)) یاد می شود (میر ترابی، ۱۳۹۳: ۱۹۸). در شکل زیر آژانس بین المللی انرژی در گزارشی در سال ۲۰۱۰ در باره تولید نفت جهان بر اساس سناریوی سیاست های جدید، روند پرشتاب کاهش تولید میدان های فعال موجود را به وضوح ترسیم کرده است. آژانس اذعان می دارد که تولید نفت کشورهای غیر اپک تا سال ۲۰۲۵ ثابت باقی خواهد ماند ولی پس از آن روند کاهشی به خود خواهد گرفت (آژانس بین المللی انرژی، ۲۰۱۰).

شکل ۲: روند رو به رشد تقاضا برای مصرف نفت به ویژه از جانب کشورهای در حال توسعه

(میر ترابی، ۱۳۹۳: ۱۹۸)



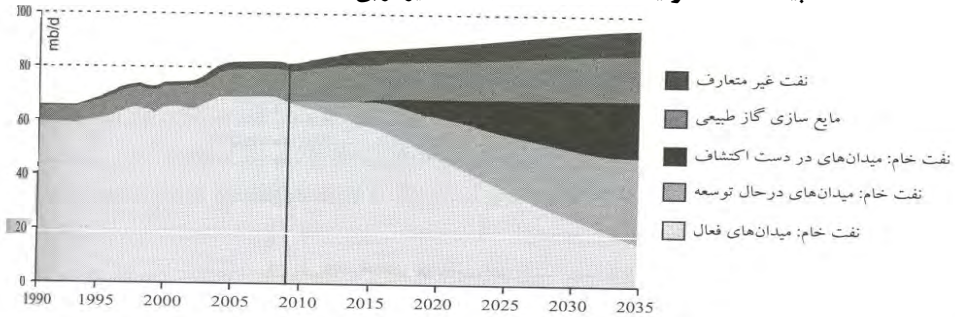
شکل ۳: سناریوی مورد نظر ایتپوس درباره عدم امکان پوشش تقاضا برای مصرف نفت در آینده بسیار نزدیک (میر ترابی، ۱۳۹۳: ۲۰۱)



<sup>1</sup> International Energy Agency (IEA), 2010

### شکل ۴: روند بی سابقه کاهش تولید از میدان‌های نفتی موجود به عنوان نشانه‌ای

از پیک شدن تولید نفت متعارف جهان (میر ترابی، ۱۳۹۳: ۲۰۲)



### شکل ۵: میدان‌های نفت و گاز خلیج فارس (میر ترابی، ۱۳۹۳: ۲۰۵)



۵-۱-۲- چشم انداز عرضه نفت و هزینه تولید در آینده: در خلال سال‌های گذشته به طور نسبی میزان سرمایه گذاری برای تولید نفت چندان زیاد نبوده که از علل مهم آن می توان به بهای نسبتاً پایین نفت و همچنین وجود نداشتن ذخایری که بتوان به سرعت تولید را در آنجا آغاز کرد، اشاره نمود. حتی اگر میدان های بزرگ نفتی نیز کشف شوند، در خلال دهه آینده، ظرفیت تولید نفت به میزان در خور توجهی افزایش

نخواهد یافت، زیرا تولید در میدان‌های بزرگ به زمان زیادی نیازمند است. در دنیایی که تقاضا به طور پیوسته رو به افزایش باشد، چنین وضعی به افزایش شدید بهای نفت منجر خواهد شد (نشریه نفت، گاز و پتروشیمی، ۲۰۱۰: ۱۸).

نوع نفت	هزینه تولید	نوع نفت	هزینه تولید	جدول ۲: هزینه تولید انواع نفت
نفت متعارفی که تاکنون تولید شده	۲-۳۵	نفت سنگین و فوق سنگین	۳۵-۶۵	متعارف و غیر متعارف به ازاء هر بشکه به قیمت ثابت سال ۲۰۰۸ (اقتصاد انرژی، ۹، ۱۳۸۷)
نفت خاورمیانه و شمال آفریقا	۵-۳۳	نفت پلمه سنگ	۵۰-۱۱۵	
دیگر نفت‌های متعارف	۵-۴۰	مایع سازی گاز طبیعی	۳۸-۱۱۵	
نفت آب‌های عمیق و بسیار عمیق	۳۵-۶۳	مایع سازی زغال سنگ	۶۰-۱۱۵	
نفت مناطق قطبی	۳۵-۱۰۰			

**۶-۱-۲- افزایش اهمیت اپک و خلیج فارس در بازار نفت: بررسی عرضه و تقاضا در بازار نفت نشان داد در شرایطی که تقاضا در بازار به رشد خود ادامه می دهد، چشم انداز عرضه روشن نیست. در این حال به طور طبیعی توجهات به بیشترین دارندگان ذخایر نفت معطوف خواهد شد، یعنی اپک و خلیج فارس. در واقع این دو هم سرنوشت هستند، زیرا همچنان بیشترین ذخایر اثبات شده نفت اپک متعلق به ۵ عضو خلیج فارسی این سازمان است (میر ترابی، ۱۳۹۳: ۲۰۴).**



منطقه	حجم ذخایر نفت میلیارد بشکه	درصد ذخایر	حجم ذخایر گاز تریلیون متر مکعب	درصد ذخایر	جدول ۳. اهمیت ذخایر نفت خلیج فارس در مقایسه با دیگر مناطق جهان (گزارش بی بی سی <sup>۱</sup> ، ۲۰۱۱)
خاورمیانه	۷۵۲	۵۴/۴	۷۵/۸	۴۰/۵	
خلیج فارس	۷۴۹/۵	۵۴/۲	۷۵/۳	۴۰/۳	
آمریکای مرکزی و جنوبی	۲۳۹/۴	۱۷/۳	۷/۴	۴	
اروپا و اوراسیا	۱۳۹/۷	۱۰/۱	۶۳/۱	۳۳/۷	
آفریقا	۱۳۲/۱	۹/۵	۱۴/۷	۷/۹	
آمریکای شمالی	۷۴/۳	۵/۴	۹/۹	۵/۳	
آسیا - اقیانوس آرام	۴۵/۲	۳/۳	۱۶/۲	۸/۷	
جهان	۱۳۸۳/۲	۱۰۰	۱۸۷/۱	۱۰۰	

### ۷-۱-۲- وضعیت بازار گاز طبیعی: پیش بینی ها حاکی از این است که مصرف گاز

طبیعی یعنی فرآورده ای که معمولاً به همراه نفت تولید می شود، در دو دهه آینده رو به افزایش خواهد گذاشت و حتی برخی از ظهور عصر گاز در قرن ۲۱ خبر می دهند (میر ترابی، ۲۰۵، ۱۳۹۳). بر پایه گزارش آژانس بین المللی انرژی تقاضای جهانی گاز در مقایسه با رشد ۱/۲ درصدی کل تقاضای سالانه انرژی، به طور متوسط سالانه ۲ درصد افزایش خواهد یافت. بر این پایه سهم گاز در سبد مصرفی انرژی در سطح جهان رو به افزایش خواهد گذاشت.

### ۲-۲- مرحله تحلیل: مرحله ای است که در آن محرک ها و نتایج شناخته می شوند و از

این طریق زمینه برای شناخت نحوه شکل گیری روندها فراهم می آید. در نوشته های روابط بین الملل بین آثاری که روی بررسی های تجربی و نظری متمرکزند و نویسندگان عمدتاً

<sup>۱</sup>(BP Statistical Review of World Energy, 2011)

طبیعت باور/ خرد باور هستند و آثاری که روی زبرنظریه و فلسفه علم تکیه دارند و عمدتاً به دست منتقدان ضد طبیعت باور نظریه‌های سنتی طبیعت باور نوشته شده اند، عدم توازن جالبی وجود دارد. نویسندگان پیرو جریان اصلی دانش روابط بین‌الملل به ندرت به بحث و مناقشه در این باره می‌پردازند که کدام نظریه شناخت (معرفت شناسی) یا زبرنظریه باید پذیرفت یا چگونه باید به پرسش‌های ناظر بر فرض‌هایی پاسخ گفت که به وجود انواع معینی از هستی‌هایی (هستی شناسی) باز می‌گردند که خودشان شامل انواع مختلفی از بازیگران مانند (رهبران منفرد، دولت‌ها، شرکت‌ها، بانک‌ها، احزاب سیاسی و سازمان‌های تروریستی) و انواع گوناگون ساختارها مانند (نظام‌های بین‌المللی، ساختارهای حقوقی، رژیم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) می‌شوند (چرنوف، ۱، ۱۳۹۵: ۳۷۰). این بدان معناست که در روابط بین‌الملل هستی شناسی بر معرفت شناسی تقدم دارد. هستی شناسی در روابط بین‌الملل یعنی بررسی رابطه ساختار و کار گزار. در این تحقیق در مرحله تحلیل می‌بایست به بررسی رابطه بازیگران حوزه انرژی جهان در ساختار جهانی پرداخت، چرا که نحوه عملکرد هر یک از بازیگران بر تحلیل روندها موثر است. بازیگران مهم نفت جهان شامل آمریکا، عربستان، چین، روسیه و ایران هستند (تیشه‌یار، ۱۳۹۶: ۲۲۶). در این مرحله تحقیق اهمیت شناخت بازیگران و سیاست‌های نفتی آنها از دو جهت حائز اهمیت است. از یک سو اینکه بازار نفت اساساً عرصه‌ای متوازن نیست که بازیگران مختلف در آن توان تاثیر گذاری کم و بیش یکسانی برخوردار باشند، بلکه بر عکس این بازار به میزان زیادی تحت تاثیر سیاست‌ها و فعالیت‌های نفتی شمار اندکی از دولت‌ها هم در طیف تولید کننده و هم مصرف کنندگان نفت و گاز قرار دارند (میرترابی، ۱۳۹۳: ۲۱۰) و از طرف دیگر این

---

<sup>1</sup> Chernoff

بازیگران که در ذیل آورده شده اند، طرف‌های اصلی در سیاست خارجی ایران چه در بعد دوستی و چه در بعد دشمنی قرار دارند.

از بازیگران دولتی اصلی بازار نفت جهان، کشورهای آمریکا، عربستان، چین و روسیه هستند (یرگین، ۱۳۷۴: ۲۱۱). هر کدام از این بازیگران به انگیزه‌های متفاوت به ایفای نقش خود در بازار انرژی می‌پردازند. آمریکا بدون شک بزرگترین بازیگر دولتی در بازار نفت جهان به شمار می‌رود. این کشور با تولید ۷/۵ میلیون بشکه نفت در روز در جایگاه سومین تولید کننده بزرگ نفت جهان پس از عربستان و روسیه قرار دارد (گزارش بی‌پی، ۲۰۱۱). با این تفاسیر هزینه تولید نفت در آمریکا بالاست. با بررسی استراتژی‌ها و سیاست‌های کلان نفتی آمریکا در ۵۰ الی ۶۰ سال اخیر می‌توان به استراتژی‌های نفتی آمریکا پی برد. از جمله اعمال سلطه بر منابع نفتی خلیج فارس، حفظ جریان باثبات انرژی، مدیریت نظام مبادلات مالی جهان با پیوند زدن تجارت نفت با دلار، تنوع بخشیدن به منابع عرضه نفت و تقویت تولید و ذخیره سازی نفت در داخل (میر ترابی، ۱۳۹۳: ۲۱۷-۲۱۲). نفت خاورمیانه نه تنها در حال حاضر برای تأمین نیاز انرژی ایالات متحده ضروری است، بلکه تمامی شواهد نشانگر رشد و وابستگی آمریکا به این منطقه طی دهه‌های آتی است. در حقیقت، وابستگی ایالات متحده به تأمین انرژی از خاورمیانه طی ۳۰ سال آینده دو برابر خواهد بود. با درک اهمیت منابع انرژی در عصر حاضر و رقابت شدید بر سر این منابع در آینده نزدیک، به نظر می‌رسد که کنترل منابع انرژی به بهترین شکل توجیه‌کننده اقدامات قدرت‌های بزرگ در پرننگ کردن حضور خود در منطقه خاورمیانه می‌باشد (طاهری، ۱۳۸۷: ۷۷). آمریکا دارای سه منافع امنیت ملی در غرب آسیاست. ادامه جریان آزاد نفت و گاز به بازارهای جهانی، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مبارزه با تروریسم

و تامین منافع امنیتی متحدان منطقه‌ای خود (سالم، ۲۰۱۶: ۲). در کتاب آینده محیط امنیتی خاورمیانه که در سال ۲۰۰۳ توسط موسسه مطالعاتی راند<sup>۱</sup> منتشر شده، منافع ایالات متحده در خاورمیانه را مبارزه با تروریسم، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، حفظ ثبات جریان نفت و قیمت آن، حفظ منافع هم‌پیمان منطقه‌ای خود، حفظ امنیت اسرائیل و ترویج دموکراسی و حقوق بشر بیان شده است (بایمن، بن ساحل، ۲۰۰۴: ۵-۲).

عربستان با دارا بودن یک پنجم ذخایر نفتی شناخته شده جهان (معادل ۲۶۴ میلیارد بشکه) بر پایه گزارش شرکت بی‌پی در سال ۲۰۱۱، مرتبه نخست را در زمینه حجم ذخایر نفت، به خود اختصاص داده است و از طرفی هزینه تولید در عربستان نفت آن در سطح بسیار پایینی قرار دارد و از ظرفیت تولید انعطاف‌پذیری برخوردار می‌باشد و در این زمینه هیچ کشوری قابل رقابت با آن ندارد. از جمله استراتژی‌های عربستان شامل هم‌پیمانی با غرب در بازار نفت، تلاش برای کنترل اپک، سرمایه‌گذاری گسترده پول نفت در خارج از کشور بیان شده است (میرترابی، ۱۳۹۳: ۲۲۵-۲۲۰). عربستان به عنوان یکی از بازیگران اصلی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس نقش مهمی در تعاملات و قواعد رفتاری حاکم و تعیین روندها سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس ایفاء می‌نماید. سیاست خارجی عربستان در دهه ۱۹۸۰ متأثر از دو واقعه مهم در منطقه خاورمیانه وقوع انقلاب اسلامی در ایران و جنگ عراق علیه ایران بود. از دیدگاه رهبران سیاسی عربستان این وقوع انقلاب اسلامی و متعاقب آن بحث صدور انقلاب تهدیدی علیه امنیت و منافع عربستان می‌باشد (کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۸۸).

---

<sup>۱</sup> RAND

چین از قدرت‌هایی است که به تازگی در بازار انرژی جهان به صورت وزنه‌ای تاثیر گذار ظاهر شده است، اما ظاهراً قرار است از این پس بماند و موقعیت خود را در این بازار به سرعت ارتقاء ببخشد. در حال حاضر دومین مصرف کننده نفت جهان پس از آمریکا است. چین هم اکنون نیمی از نفت وارداتی خود را از خاورمیانه وارد می‌کند. بر پایه گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، مصرف نفت چین در حدود ۲۰ سال آینده دو برابر خواهد شد و این در صورتی است که در این مدت روند تولید نفت چین به صورت نزولی با شیب ملایم رو به کاهش است، که در نتیجه آن در سال ۲۰۳۰ چین به بزرگترین وارد کننده نفت جهان خواهد شد و از آمریکا پیشی خواهد گرفت (هانترا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹: ۲). از جمله استراتژی‌های چین در این مورد شامل: بستن قراردادهای طولانی خرید و مشارکت نفتی، پشتیبانی از شرکت‌های نفتی چینی جهت حضور فعالانه آنان در عرصه بین‌المللی، دریافت تهاطری نفت در قبال زیرساخت یا خدمات فنی، همکاری فنی با شرکای غربی، تنوع بخشی به منابع نفت دریافتی، تنوع بخشی به ترانزیت نفتی خود و تبدیل برخی از اموال خود به ذخایر زیرزمینی از طریق سرمایه گذاری در ذخایر (تونسون و کلاس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۱۹).

از دیگر بازیگران مطرح در بازار نفت جهان روسیه است. روسیه در زمینه تولید و صدور نفت سابقه‌ای طولانی دارد و از زمان کشف نفت قفقاز تاکنون در مراحل مختلف تاریخی فراز و فرودهای مختلفی داشته است و نمود بارز آن در جنگ جهانی دوم بود که نفت در صدر انگیزه‌های نیروهای آلمانی به رهبری هیتلر در حمله به روسیه بود. بر اساس توافق فوریه سال ۲۰۱۱ میان چین و روسیه، روسیه در خلال ۲۰ سال آینده با بهره‌گیری از وام ۲۵

<sup>1</sup> Hunter et al

<sup>2</sup> Tonnesson and Kolas

میلیارد دلاری چین به شرکت های نفتی روسی، از طریق خط لوله های جدید، مقادیر فراوانی نفت به چین صادر خواهد شد. روسیه یک چهارم گاز اروپا از طریق خطوط لوله اکراین، بلاروس را تامین می کند (لکیتلی، روسیود<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۲). استراتژی های نفتی روسیه با هدف تبدیل این کشور به بازیگری عمده در بازار جهانی انرژی طراحی و اجرا شده است (میرترابی، ۱۳۹۳: ۲۲۹). روسیه در راستای سیاست جدید خود تلاش کرده با استفاده از اهرم انرژی، ضمن بازسازی زیرساخت های اقتصادی، موقعیت این کشور را به عنوان یک قدرت بزرگ در سیاست گذاری بین المللی تقویت نماید. هدف روسیه از تبدیل انرژی به ابزار سیاست خارجی و امنیتی، در کوتاه مدت احیای نفوذ این کشور بر جمهوری های شوروی سابق، کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و معکوس کردن روند حرکت آنها در همگرایی بیشتر با ساختارهای غربی و ناتو و در دراز مدت تضعیف نفوذ آمریکا در قاره اروپاست (وحیدی، ۱۳۸۵: ۴۶).

علاوه بر بازیگران دولتی بازار انرژی تعدادی بازیگران فرادولتی نیز وجود دارد که از تاثیر گذاری عمده ای برخوردارند. از جمله شامل اپک<sup>۲</sup>، اپک گازی، آژانس بین المللی انرژی<sup>۳</sup>، شرکت های چند ملیتی نفتی<sup>۴</sup> و بورس های معاملات نفت هستند که هر کدام به واسطه عملکرد خود به گونه جریان انرژی دنیا را مورد تاثیر قرار می دهند (میرترابی، ۱۳۹۳: ۲۶۳-۲۳۱). معمولاً با توجه به نحوه و اهداف شکل گیری ساختارهای بازیگران فرادولتی و نقش هریک از آنها در راستای برخی منافع اعضاء تشکیل دهنده آنها، بازیگران دولتی تاثیرات بسزایی بر عملکرد این سازمانها دارند. حال ممکن است این سؤال مطرح

<sup>1</sup> Locatelli and Rossiaud

<sup>2</sup> Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC)

<sup>3</sup> International Energy Agency (IEA)

<sup>4</sup> Transnational Oil Companies

شود، که با این طیف گسترده از بازیگران، چگونه می‌توان به بررسی آینده امنیت انرژی منطقه غرب آسیا پرداخت؟ در پاسخ باید گفت یک الگوی تحلیلی کاملاً قابل اتکا در این باره وجود ندارد، اما از منظر اقتصاد سیاسی با پاسخ دادن به سه پرسش اساسی می‌توان به درک بهتری از شرایط حاکم بر جریان انرژی منطقه در آینده دست یافت. نخست اینکه به لحاظ ساختاری، بازار انرژی در چه دوره‌ای قرار دارد و مهمترین قواعد و نیروهای حاکم بر عرضه انرژی کدامند؟ دوم اینکه روندهای عرضه و تقاضا به عنوان عوامل بنیادی عرضه انرژی چه سمت و سویی دارند؟ و سوم اینکه تصمیم‌های بازیگران به همراه دیگر عوامل اثرگذار بر عرضه و تقاضای انرژی چگونه بر این دو عامل بنیادی تأثیر می‌گذارند؟

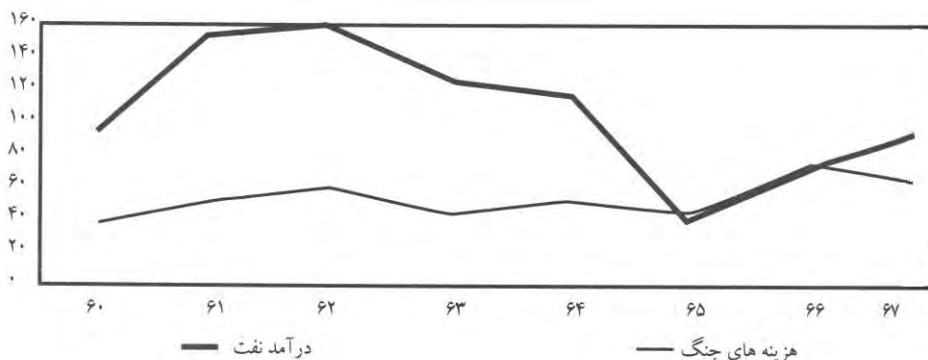
روندهای محرک: با بررسی پاسخ‌های سوالات فوق می‌توان به روندهای محرک که عامل تنش‌زا در منطقه غرب آسیاست و روندهای وابسته دست یافت.

- افزایش تقاضا برای مصرف به علل افزایش رشد اقتصاد جهانی، رشد جمعیت جهان، توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه به ویژه در شرق آسیا
- کاهش ذخایر استراتژیک یا تجاری در کشورهای عمده مصرف‌کننده انرژی
- هزینه تولید پایین انرژی منطقه غرب آسیا نسبت به دیگر مناطق جهان
- ذخایر عظیم انرژی در منطقه غرب آسیا به ویژه خلیج فارس
- تغییرات ناگهانی و محسوس در شرایط آب و هوایی کشورهای مصرف‌کننده

#### انرژی

- تعارض پیدا کردن منافع سیاسی، امنیتی اعضاء اپک و اپک گازی
- پیوند درآمدهای نفتی با استمرار و پایان جنگ در منطقه غرب آسیا

شکل: مقایسه درآمد نفت و هزینه‌های جنگ در ایران (حشمت زاده، ۱۳۷۹: ۳۶۳).



روندهای وابسته: این روندها متأثر از روندهای محرک هستند.

- افزایش بهای انرژی در کشورهای مصرف کننده
  - کاهش میزان تولید در کشورهای تولید کننده
  - استفاده ابزاری و سیاسی از مسئله انرژی توسط کشورهای عرضه کننده انرژی
  - اراده سلطه جویی در کشورهای مصرف کننده در راستای منافع خود
  - عوامل روانی مرتبط با بورس بازی در بازار انرژی
- با بررسی روندهای فوق و بازیگران و نقش و اهداف هر کدام از آنها مهمترین بازیگران بازار انرژی به شرح جدول ذیل مشخص می شود.

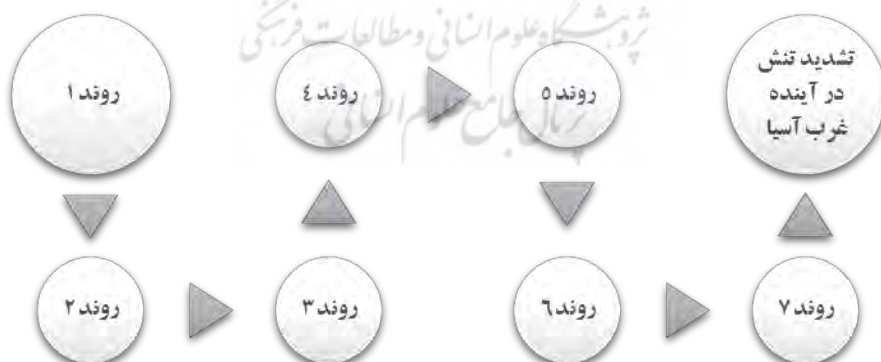
جدول ۴: رتبه بندی مهمترین بازیگران بازار جهانی نفت (میرترابی، ۱۳۹۳: ۲۶۲)

رتبه تأثیر گذاری	مهمترین ابزار تأثیر گذاری بر بازار انرژی	بازیگر
۱	رابطه نفت و دلار بزرگترین اقتصاد دنیا بزرگترین بازار مصرف نفت جهان (حدود یک چهارم) سلطه بر منطقه نفت خیز خلیج فارس	آمریکا



	وضعیت هزینه تولید در کشور و حجم همچنان بالای تولید	
۲	در اختیار داشتن بزرگترین ذخایر نفت دنیا هزینه پایین توسعه ذخایر و در اختیار داشتن ظرفیت تولید اضافی امکان کاهش یا افزایش تولید برای اثر گذاری بر بهای نفت (لنگر ثبات دهنده بازار) تولید حدود ۴۰ درصد نفت جهان	اپک
۳	در اختیار داشتن حدود یک پنجم ذخایر نفت جهان امکان توسعه کم هزینه ذخایر و ایجاد ظرفیت مازاد تولید حدود ۱۰ درصد نفت جهان موقعیت مؤثر در هدایت اپک	عربستان
۴	در اختیار داشتن بیشترین سهم رشد تقاضای حا و آینده مصرف نفت جهان دومین اقتصاد در حال رشد جهان دومین مصرف کننده و وارد کننده نفت جهان در اختیار داشتن بزرگترین ذخایر ارزی جهان و توانایی تأثیر گذاری بر ارزش دلار	چین
۵	نماینده گی تشکل بزرگ مصرف کنندگان نفت و امکان توصیه به اعضا برای برداشت از ذخایر استراتژیک تشویق ذخیره سازی نفت، بهینه سازی مصرف و استفاده از انرژی های جایگزین تشویق تولید نفت در مناطق غیر اپک برای افزایش مراکز عرضه نفت	آژانس بین المللی انرژی

شکل ۶: نمودار حلقه ارزش هر یک از محرک ها



در این نمودار تمامی محرک ها دلیل بر تعارض منافع بازیگران دولتی و فرا دولتی اصلی قید شده در جدول ۴ می باشد و شرایط تنش زا را برای آینده غرب آسیا فراهم می نمایند. حال با توجه به مطالعه فوق می توان سناریوهای ذیل متصور شد. در این سناریوها منظور از عربستان مجموعه کشورهای عربی به سرکردگی عربستان سعودی است.

### شکل ۷: سناریوهای متصور ناشی از رقابت های ناشی از امنیت انرژی در غرب آسیا

(هلم کوئیست، راید وست<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۵)



<sup>1</sup> Holmquist and Rydqvist

۳-۲- **مرحله تصور:** در این مرحله به شناسایی دیدگاه‌ها و تصورات ذهنی خود نسبت به آن چیزی که به دنبال آن هستیم می‌پردازیم. مشاهده روندها و بررسی اهداف بازیگران دولتی و فرادولتی بازار انرژی جهان و دلایل مطرح شده، ما را به آن می‌رساند که سناریو شماره ۱ با احتمال بسیار بالایی (۵۰ تا ۷۰ درصد) رخ خواهد داد. در اواسط سالهای ۲۰۲۰، آمریکا از رویکرد محتاطانه درگیر شدن توسط دولت اوپاما فاصله گرفته است و همچنان ردپای سیاسی و نظامی بزرگی را در منطقه غرب آسیا حفظ می‌کند. مهار و مدیریت جنگ‌های جاری در سوریه و عراق، یمن و لبنان، که در اواخر سال ۲۰۱۰ به وقوع پیوسته است، پس از اوپاما سه دولت را به خطر انداخت. با این حال، روابط پرتنش ایران و عربستان سعودی، یافتن یک سازش بین‌المللی پایدار در مورد سرنوشت رژیم بشار اسد را دشوار می‌نماید و این در حالی است که آمریکا و شرکای آن بنا بر اهدافی که از حضور در منطقه دارند و همانا دستیابی به منابع غنی انرژی منطقه غرب آسیاست، نمی‌توانند صلح را به منطقه تحمیل کنند. مشاجره و رقابت بین ایران و عربستان ادامه دارد. عربستان سعودی همچنان ایران را به عنوان بی‌ثبات کننده و مدعی نفوذ منطقه‌ای در همه سطوح مشاهده می‌کند. با وجود سابقه خوب ایران در اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)<sup>۱</sup>، عربستان سعودی به اهداف ایران بی‌اعتماد است و تهران را متهم می‌کند که به طور پنهانی برنامه تسلیحات هسته‌ای را دنبال می‌کند. داعش و جبهه النصره همانطور که در سال ۲۰۱۵ ظهور کرده و به ظاهر از بین رفته‌اند، همچنان جنگ سوریه بدون جبهه که در آن قدرت‌های بزرگ حاضر در منطقه به جنگ‌های نیابتی خود ادامه می‌دهند. خشونت فرقه‌ای ناشی از همین رقابت‌ها باعث می‌شود تا بازیگران در عراق، سوریه، یمن و لبنان به

<sup>۱</sup> JCPOA

جنگ‌های محدود و تاکتیکی با یکدیگر بپردازند. در حالی که کشورهای ضعیف منطقه به درجه هرج و مرج نزول پیدا می‌کنند، قدرت‌های بزرگ، عربستان سعودی، ایران، مصر و ترکیه و اسرائیل همچنان قوی و با ثبات می‌مانند. بهبود تدریجی قیمت نفت در اوایل سالهای ۲۰۲۰ (هلم کوئیست، راید وست، ۲۰۱۶) که ثبات اقتصادی را ممکن می‌کند، یکی از دلایل مهم است. عراق با کسب موفقیت در برابر داعش و بازپس‌گیری بیشتر استان‌های غربی، وضعیت را از منظر امنیتی تثبیت خواهد کرد. با حضور نظامی آمریکا و متحدانش در منطقه غرب آسیا، جنگ‌های داخلی و نیابتی در منطقه به بهانه‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم ادامه خواهد یافت ولی در اصل رقابت بر سر تصرف منابع ارزان و فراوان انرژی منطقه است. چین و روسیه در تلاش خواهند بود از قافله دستیابی به منابع منطقه از رقبای خود عقب‌نمانند و علاوه بر تلاش‌های بین‌المللی به منظور حل دیپلماتیک مسائل حاکم بر منطقه در شرایط بحران انرژی از دخالت‌های نظامی نیز فروگذار نخواهند بود. تمرکز آمریکا بر ضد تروریسم در داخل و خارج از کشورش، بالاخص پس‌حملات نظامی محدود به نفکش‌ها در خلیج فارس و تأسیسات نفتی عربستان آمریکا را بر آن داشت تا اقدام به ائتلاف دریایی به رهبری خودش برای حفاظت از کشتیرانی در خلیج فارس پرداخته و به شکل رسمی فعالیت خود را در بحرین آغاز کرد، این احتمال وجود دارد که آمریکا متحدان و شرکای خود را، به ویژه اروپا، را مجبور به استقرار تجهیزات نظامی بیشتری در منطقه کنند. تلاش اسمی آمریکا و متحدانش برای ثبات در کشورهای جنگ‌زده و محافظت از جمعیت در برابر نسل‌کشی و آزار و اذیت، می‌تواند غرب را در یک وضعیت دشوار، با افزایش هزینه‌های نظامی و سیاسی، افزایش مشکلات در همکاری در

سازمان ملل (سازمان ملل) و پتانسیل درگیری مستقیم با سایر قدرت‌های بزرگ در منطقه مانند روسیه، عربستان سعودی، ایران و چین قرار دهد.

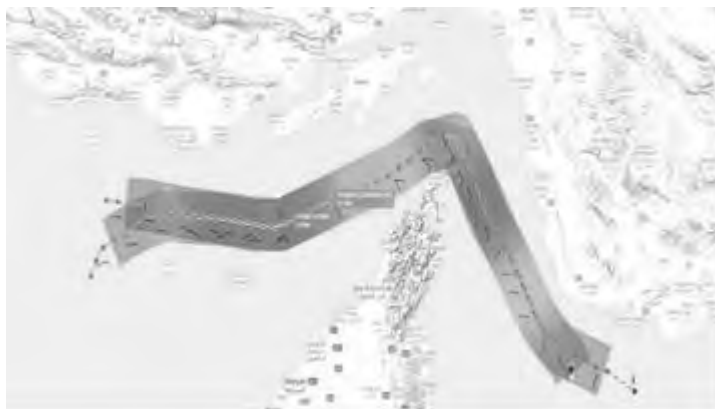
**۴-۲-مرحله تصمیم:** در این مرحله همه داده های گردآوری شده بایستی در کنار هم قرار گرفته و تصمیم گیری شده و استراتژی های مناسب تعریف شود. در این مرحله باید روش از بالا به پایین کنار گذاشته و شروع به تفکر از پایین به بالا کرد. با استفاده از ابزارهای مختلفی می توان به تصمیمات مناسب دست یافت. یکی از آن روش ها مدل دابلویواس<sup>۱</sup> است. این روش مناسبی است که سه بعد یک استراتژی را بررسی می کند و به سه پرسش پاسخ می دهد (تیشه یار، ۱۳۹۳: ۲۰۴-۱۹۸).

- آیا این استراتژی بخشی از هدف مورد نظر سازمان است؟ (خواسته‌ها)
- آیا این استراتژی توانمندی موجود سازمان را به حداکثر می‌رساند؟ (کارکردها)
- آیا این استراتژی با محیط آینده هماهنگ است؟ (باید‌ها)

استراتژی های نظامی مفید برای جمهوری اسلامی ایران در بعد امنیت انرژی در منطقه غرب آسیا، حول محور امنیت تنگه هرمز که همواره از لحاظ ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی جایگاه بسیار مهمی در مسائل سیاسی-امنیتی و استراتژیک ایران، منطقه و جهان دارد، می چرخد. این استراتژی‌ها می‌تواند از کنترل کامل و مؤثر تنگه هرمز تا استفاده ابزاری در سیاست خارجی و بازدارندگی نظامی باشد.

<sup>۱</sup> WUS: Want, Utilize, Should

### شکل ۸: گلوگاه انرژی جهان در تنگه هرمز (برزگر، ۱۳۹۴: ۱۸۲)



نخست به بررسی اجمالی اهمیت تنگه هرمز در سطح ملی، منطقه ای و جهانی خواهیم پرداخت. اهمیت تنگه هرمز برای ایران شامل، صدور بخش عمده نفت مصرفی جهان (صدور روزانه ۱۷ میلیون بشکه نفت از این تنگه)، تبادلات اقتصادی (واردات و صادرات کالاهای تجاری کشورهای حوزه خلیج فارس)، اتصال با دنیای آزاد و موقعیت ارتباطی (تنگه هرمز یکی از ۱۱ تنگه مهم دنیا به عنوان مدخل ورودی و خروجی خلیج فارس) و در نهایت سهم بسیار مهمی به لحاظ سیاسی - امنیتی و اهمیت استراتژیک در استراتژی‌های مهار و بازدارندگی ایران در مقابل تهدیدات خارجی دارد. اهمیت تنگه هرمز برای کشورهای منطقه خلیج فارس از لحاظ صدور انرژی، تبادلات اقتصادی و ارتباط با مراکز مالی و تجاری جهان برخوردار است. برای جامعه بین‌المللی نیز تنگه هرمز از لحاظ امنیت انرژی بین‌المللی (صدور نفت و گاز) و صدور کالاهای مصرفی اهمیت به سزایی دارد. عمده‌ترین دلیل اهمیت خلیج فارس برای کشورهای غربی به وجود ذخایر عظیم گازی و نفتی در منطقه غرب آسیاست (برزگر، ۱۳۹۴: ۲۰۱-۱۸۲). جمهوری اسلامی ایران بالاخص نیروهای مسلح با توجه به وقوع هر کدام از سناریوهای حادث شده می‌توانند از استراتژی

های بازدارندگی ذیل بهره برداری نمایند. به تبع هر کدام از این استراتژی ها دارای فرصت ها و تهدیدات مختص به خود هستند.

#### ۱-۴-۲- بازدارندگی تهاجمی - تدافعی: تمرکز اصلی این استراتژی بر تئوری واقع

گرایی<sup>۱</sup> است. در واقع گرایی با مقوله معمای امنیتی دولت‌ها روبرو هستیم. بر اساس این نظریه غالب در حوزه روابط بین‌الملل، سیاست تهاجمی واقع گرا در پی افزایش قدرت نسبی دولت‌ها در صحنه نظام بین‌الملل است (مرشایمر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۳). در مقابل سیاست تدافعی واقع گرایانه بیشتر خواهان افزایش امنیت نسبی دولت‌ها در نظام بین‌الملل است (تالیافر رو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰/۰۱، ۱۵۸-۱۵۹). در دیدگاه تدافعی استراتژی ایران در تنگه هرمز، تهدید ایران بیشتر مبتنی بر نمایش قدرت است، ایران برای مدت طولانی نمی‌تواند این تنگه را ببندد، چرا که تداوم نظامی فوق‌العاده‌ای می‌طلبد و هزینه‌های گزاف سیاسی و امنیتی در پی خواهد داشت. لذا ایران به سه دلیل این اقدام را نخواهد کرد. نخست وابستگی اقتصاد ایران به درآمد ارزی حاصل از صدور انرژی خود از این تنگه است. دوم واکنش سخت نظامی آمریکا و غرب به همراهی هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها بهانه‌ای برای بدست گرفتن کنترل تنگه خواهد شد. در نوامبر ۲۰۱۹، ائتلاف آمریکایی و غربی برای کنترل کشتیرانی و امنیت انرژی منطقه در بحرین مستقر گردیده است. همچنین این عمل مغایر با کنوانسیون‌های حقوق دریاهای و حتی کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو یا عرف حقوقی موجود است. دلیل سوم، واکنش منفی دیگر کشورها به دلایل حساسیت‌های ژئوپلیتیکی، وابستگی به جریان انتقال انرژی از تنگه هرمز و تبادلات آزاد اقتصادی است. کشورهایی مانند چین،

<sup>۱</sup> Realism Theory

<sup>۲</sup>John Mersheimer

<sup>۳</sup> Jeffrey W. Taliaferro

روسیه، ترکیه، عراق، هند و ... بعضاً دوستان ایران نیز هستند (برزگر، ۱۳۹۴: ۱۹۶). از دیدگاه نظریه پردازان بازدارندگی، نظم سیستمی زمانی حفظ خواهد شد که رهبران دریابند حریفان بالقوه آنها، در صورت رخداد رفتار نامطلوب، توان و اراده تلافی را خواهند داشت. بنابراین در پاسخ به تجاوز بالقوه، استراتژیست‌ها بایستی با افزایش توانایی های نظامی و نشان دادن اراده تلافی، تهدیدات بازدارنده را تقویت نمایند. در مدل منطقی بازدارندگی کلاسیک، سیستم بازدارندگی استراتژیک بر اساس متغیرهای بنیادین اشاره شده در زیر شکل می گیرد. (۱) ایجاد و حفظ توانایی های جنگی (۲) ردیابی تهدیدات (۳) برنامه ریزی جامع بازدارندگی استراتژیک (۴) امکان استفاده از بازدارندگی در سطح جهانی و منطقه ای (۵) بکارگیری کلیه ابزارهای نظامی و سیاسی (۶) نشان دادن توانایی های جنگی (۷) پیش بینی پاسخ مهاجم به تهدید از طریق سیستم تسلیحات استراتژیک (۸) قراردادن مهاجم بالقوه در وضعیت عدم اطمینان (۹) تامین امنیت ملی در کلیه سطوح، ایجاد، استقرار و تحول سیستم های تسلیحات استراتژیک (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۷۱).

در بعد بازدارندگی تهاجمی در صورت وقوع سناریو شماره ۲ استفاده از این استراتژی محتمل تر است. ایران در شرایطی که منافع و امنیت اقتصادی و سیاسی خود را در خطر ببیند و منجر به رویارویی مستقیم و جنگ ناخواسته متعارف با آمریکا و قدرت های منطقه از جمله عربستان شود، رویکرد تهاجمی و مسدود کردن تنگه هرمز در دستور کار قرار می گیرد. این اقدام فرصت ها و چالش هایی برای ایران در بر خواهد داشت. حال که منافع کلی ایران در خطر است، ایران از طریق مسدود نمودن این تنگه حیاتی باعث افزایش بهای انرژی به ویژه نفت در جهان خواهد شد و این خود باعث رکود در اقتصاد جهانی شده و به ضرر غرب تمام خواهد شد. دوم امنیتی شدن این تنگه باعث آسیب پذیری اقتصادی و



سیاسی کشورهای عربی منطقه خواهد شد. از این رو ادعای ایران مبنی بر اینکه حضور آمریکا و متحدینش در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس محل امنیت منطقه است، برای جهانیان به اثبات رسیده و تبعات سیاسی برای آمریکا خواهد داشت (برزگر، ۱۳۹۴: ۱۹۶). چالش‌های استفاده ایران از رویکرد تهاجمی در خلیج فارس شامل قطع منابع ارزی ایران حاصل از صدور انرژی، تحقق شعار آمریکا و عربستان در محوریت شرارت قلمداد کردن ایران در منطقه، تنگنای شدید اقتصادی کشور، هزینه‌های گزاف نظامی، آسیب پذیری داخلی و ... است.

#### جدول ۵: ابعاد بازدارندگی تدافعی و تهاجمی در تنگه هرمز (برزگر، ۱۳۹۴: ۲۰۰)

بازدارندگی تدافعی	بازدارندگی تهاجمی	بازدارندگی تدافعی	بازدارندگی تهاجمی
افزایش امنیت نسبی	افزایش قدرت نسبی	رویکرد سیاسی - امنیتی	رویکرد نظامی
امنیت به هم پیوسته	امنیت یکجانبه	بازیگر خردمند و مسئول	بازیگر غیر عقلانی
بازی برد - برد	بازی برد - باخت یا باخت - باخت	تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک	تأکید بر عنصر ایدئولوژیک
همکاری جهت ثبات	تنازع جهت بی ثباتی	تأکید بر پتانسیل بین‌المللی	تأکید بر پتانسیل منطقه‌ای
کنترل هوشمند و حساب شده	بستن کامل تنگه هرمز		

**۲-۴-۲- استراتژی بی طرفی فعال:** با اتخاذ این استراتژی ایران می تواند نقش و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به خصوص آمریکا را به نفع افزایش امنیت نسبی و تأمین منافع ملی خود خنثی سازد. در این روش اعلام بی طرفی در مناقشات منطقه‌ای، اعتماد سازی، فرصت سازی در سطح منطقه و بین‌الملل از جمله گسترش طرح‌های اقتصادی، عضویت در سازمان‌های اقتصادی و سیاسی جهانی، عضویت در ائتلافات نظامی منطقه‌ای، تلاش برای برقراری ساختار سیاسی - امنیتی - نظامی مقتدر و کارآمد در کشورهای

همجوار، شرکت فعال در کنوانسیون‌های حقوقی دریایی در بعد امنیت کشتیرانی و اسکورت‌های نظامی منافع خود را پیش برد.

**۳-۴-۲- استراتژی امنیت به هم پیوسته:** این استراتژی بدین معناست که ناامنی در منطقه به معنای ناامنی برای ایران و بالعکس است. این استراتژی بر مبنای واقعیت ژئوپلیتیکی ایران قابل طرح است. واقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای است که مسائل امنیتی منطقه‌ای محیط پیرامونی آن به ایران متصل است و از یک رابطه دو سویه تبعیت می‌کند. ایران از طریق گره زدن منافع و امنیت خود با مسائل سیاسی - امنیتی منطقه به نوعی می‌تواند تهدیدهای نو ظهور امنیتی که در آینده هم قابل تصور است از جمله حضور نیروهای آمریکایی در منطقه، جلوگیری کند. با القاء این فهم به سران کشورهای منطقه که هر گونه همکاری با آمریکا در منطقه برای تهدید ایران، سبب بروز ناامنی در سراسر منطقه خواهد شد (برزگر، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

**۵-۲- مرحله اقدام:** در مرحله اقدام می‌بایست استراتژی‌ها به مرحله اجرا در آمده و روند برنامه ریزی سناریویی ادامه یابد و به صورت دائم در دوره زمانی مشخص شده سناریوها را مرور و با محرک‌ها و روندها و تحولات مطابقت دهیم. در این مرحله نوعی فراگیری وجود دارد. این کار به ما کمک می‌کند با جلو رفتن زمان، از لزوم تغییر جهت‌ها آگاه شویم (تیشه یار، ۱۳۹۶: ۲۴۲). در مرحله اقدام کلیه جوانب استراتژی‌ها توسط کارگروه‌های مشخص شده و منحصر به فرد نیروهای مسلح و ارکان سیاسی و امنیتی کشور پایش شده و هر گونه تغییر روند را مطابق با سناریوهای از پیش تعیین شده تطبیق و در اختیار نیروهای خود قرار می‌دهند. اجرای این استراتژی‌ها نیازمند یک هماهنگی تنگاتنگ و زیر نظر فرمانده واحد در رأس هرم مشخص صورت پذیرفته و از هر گونه اقدام جزیره‌ای

به ویژه در سطح نیروهای مسلح اجتناب شود. لزوم وحدت و یکپارچگی نیروهای مسلح زیر نظر فرمانده واحد که همان فرمانده کل قواست، لازم و ضروری است. تهدید و زیاده خواهی آمریکا قطعاً در آینده مورد تصور ادامه خواهد داشت و لزوم آمادگی نیروهای مسلح چه در بعد آمادگی رزمی و چه در بعد ارتقاء سامانه های پدافندی و آفندی از واجبات ملی است. استفاده موثر از ۳۸ جزیره ایرانی خلیج فارس و داشتن برنامه های نظامی جهت تهیه زیر ساخت های عملیاتی، تجهیزاتی، سازماندهی و استحکامات نظامی در دهه های آینده امری حیاتی است.

### نتیجه گیری

آینده پژوهی نه تنها در ساخت چگونگی فعل و انفعال کشورها با یکدیگر و مسائل جنگ و صلح اهمیت دارند، بلکه به عنوان یک ابزار توضیحی گسترده تر یعنی روش های گرافیکی برای تأکید بر اهمیت گرایش ها و پیشرفت های سیاست های جهانی بکار می روند (هیوود، ۲۰۱۱: ۵۰۷). با این حال همیشه این پیش بینی ها با عدم قطعیت ها همراه بوده است. ولی در سناریو نگاری این امکان وجود دارد که به نوعی با طرح ریزی های متنوع از عدم قطعیت ها کاسته شود. منطقه غرب آسیا از مهم ترین مناطق جهان به لحاظ ذخایر انرژی، تنوع قومیت ها و سایر مسائلی است که فطرتاً زمینه های منازعه و تنش را در خود جای داده اند، از طرف دیگر در شرایط کنونی شکل استعمار در کشورهای غرب آسیا بسیار پیچیده شده است و به راحتی قابل درک نیست و این استعمار به انحاء مختلف غرب آسیا را تحت تاثیر قرار خواهد داد که این امر بر دامنه عدم قطعیت های مسائل منطقه خاورمیانه ی پرافت و خیز می افزاید (فانتینا، کارشناس رسانه ای، ۲۰۱۹). با این حال نیز با

توجه به مشاهده روندها و محرک‌های از پیش گفته در دوران احتمالی ریاست جمهوری آقای ترامپ تا سال ۲۰۲۵ منطقه غرب آسیا به ویژه حوزه خلیج فارس از ساختاری بسیار آنارشیک برخوردار بوده و ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در راستای ایجاد توازن و کاستن تهدیدات حاصل از منازعات آینده بایستی ساختار نیروهای مسلح خود را قوام بخشیده و از هر گونه مذاکره و روندی که توان دفاعی آن را به چالش می‌کشد، خودداری نماید. از این رو نیروهای مسلح نیز به تبع آن می‌بایست با تکیه بر توان داخلی و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه دانشگاهی و مجامع علمی و تحقیقاتی، توان نظامی خود را به روز نموده و ضمن رسد تهدیدات موجود و آتی از حداکثر موقعیت‌های سوق الجیشی جزایر ۳۸ گانه خلیج فارس به منظور ایجاد بازدارندگی و مجبور نمودن قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در استفاده از ذخایر انرژی خود به ویژه در بعد صادرات نفت و گاز حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد. جریان آزاد انرژی یا برای همه یا برای هیچکس. القاء این شعار به دشمنان جمهوری اسلامی ایران، نیازمند استفاده از ظرفیت‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است.

## منابع

- ۱) برزگر، کیهان (۱۳۹۴). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه**. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- ۲) پور ارشد، میثم و همکاران (۱۳۹۵). «نقش و ضرورت مدل‌های انرژی در برنامه ریزی و ارزیابی سیاست‌های کشور»، **سومین کنفرانس بین‌المللی فناوری و مدیریت انرژی**، تهران.
- ۳) تیشه یار، ماندانا (۱۳۹۶). **آینده پژوهی در مطالعات استراتژیک**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴) چرنوف، فرد (۱۳۹۵). **نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- ۵) حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۷۹). **ایران و نفت: جامعه‌شناسی سیاسی نفت در ایران ۱۳۷۵-۱۳۵۷**، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۶) رحمتی، مهرداد و سیدکمال چهارسوقی (۱۳۹۱). «آینده پژوهی در حوزه ی انرژی و بررسی مقوله ی امنیت انرژی کشور»، **اولین همایش ملی آینده پژوهی**، تهران، شرکت یادگار درخشان آریا.
- ۷) روشندل، جلیل (۱۳۷۴). **امنیت ملی و نظام بین‌المللی**، تهران: سمت.
- ۸) ساعی، ساعی و پاشنگ، مریم (۱۳۹۵). «ضرورت نگاه فراملی به امنیت انرژی»، **فصلنامه راهبرد**، سال ۲۵، شماره ۸۰، صص ۲۵۳-۲۳۳.
- ۹) طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۷). «استراتژی ایالات متحده آمریکا در زمینه انرژی»، **دانشنامه حقوق و سیاست**، شماره ۱۰، صص ۹۰-۶۵.
- ۱۰) فانتینا، روبرتو (۲۰۱۹). **کارشناس رسانه ای برنامه بدون مرز شبکه خبر: مورخه ۹۸/۸/۲۶ ساعت ۱۷:۵۵**.
- ۱۱) قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). **نظریه های روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای**، تهران: نشر میزان.

- ۱۲) کریمی فرد، حسین (۱۳۹۵). «تبیین رئالیستی سیاست خارجی عربستان در قبال بحران‌های خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۱، صص ۱۰۹-۷۹.
- ۱۳) میرترابی، سعید (۱۳۹۳). اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران، تهران: نشر قومس
- ۱۴) وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۵). «انرژی: عامل توسعه شکاف بین روسیه و اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۶.
- ۱۵) یرگین، دنیل (۱۳۷۶). تاریخ جهانی نفت، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: انتشارات اطلاعات.

- 16) Bensahel, Nora and L.Byman, Daniel (2004). **Security Environment in the Middle East: Conflict, Stability, and Political Change**. USA: RAND
- 17) Cordsman, Anthony (2003). **Middle Eastern Energy After The Iraq War: Current and Projected Trends**. Middle East policy, Vol.X, No 4. Winter.
- 18) Holmquist , Erika and John Rydqvist (2016). **The Future of Regional Security in the Middle East**. FOI-R--4267—SE.
- 19) Fattouh, Bassam (2007). **How Secure Are Middle East Oil Supplies?**. Oxford: Institute for Energy Studies.
- 20) Haeckel, S. H. & R. L. Nolan (1993). **Managing by Wire**, Harvard Business Review.
- 21) Heywood, Andrew (2011). **Global Politics**. Londen Palgrave Macmillan.
- 22) Jeffrey W. Taliaferro (2000/1). **Security Seeking under Anarchy**. International Security, Vol 25, No 3, pp 158-159.
- 23) Kartveit, Bard and Gabrielsen Jumbert, Maria (2014). **Civil-Military Relations in the Middle East: A Literature Review**. CMI WORKING PAPER
- 24) Lindgren, Mats & Hans Bandhold (2003). **Scenario Planning**. New York: Norton
- 25) Locatelli, Catherine and Rossiaud, Sylvain (2009). **Russia,s Gas and Oil Policy: The Emerging Organizational and Institutional Framework for Regulating Access to Hydrocarbon Resources**. Post – Communist Economies, Vol. 21, No. 4.
- 26) Martin WF, Imai R, Steeg H (1996). **Maintaining Energy Security in a Global Context. A Report to the Trilateral Commission**. Trilateral Commission, June 1996.

- 27) Mersheimer, John (2001). **The Tragedy of Great Power Policies**. New York: Norton Opec Bulletin, 2010-2011 Edition.
- 28) Parsa Hossain Agdar. **An Introduction to Energy Security**. 2010. Available from: [www.researchgate.net/publication/334361550](http://www.researchgate.net/publication/334361550)
- 29) Popper, Karl (1959). **Prediction and Prophecy in The Social Sciences**, in: **Patrick Gardiner (ed), Theories of History**, Glencoe, Illinois: The Free press.
- 30) Salem, Paul (2016). **Navigating a Turbulent Middle East: Priorities for the Next President**. Middle East Journal, Vol 70, No. 4, Autumn.
- 31) Terrill, W. Andrew (2011). **The Saudi – Iranian Revalry and The Future of Middle East Security**. U.S. Army College: Strategic Studies Institute.
- 32) Tonnesson, Stein and Ashild Kolas (2006). **Energy Security in Asia: China, India, Oil and Peace**. Oslo: International Peace Research Institute.

